

ساختمان روان‌شناسی فاشیسم

| ژرژ باتای | سامانه مرادیانی |

The Psychological Structure of Fascism

| Georges Bataille | Samaneh Moradiani |



سرشناسه: باتای، ژرژ، ۱۸۹۷ - ۱۹۶۲ م. Bataille, Georges
عنوان و نام پدیدآور: ساختار روان‌شناختی فاشیسم / ژرژ باتای؛ ترجمه س. ا. نه مرادیانی.
مشخصات نشر: تهران: بیدگل، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری: ۱۰۴ ص.؛ ۱۷×۱۲ س. م.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۸۰۶-۷۸-۴

وضعیت فهرست نویسی: فیپا
یادداشت: کتاب حاضر از متن انگلیسی تحت عنوان "Excess: selected writings" (انتها: نوشته‌های برگزیده) ۱۹۳۹-۱۹۲۷ به فارسی برگردانده شده است.

یادداشت: کتاب حاضر برگزیده‌ای از کتاب "Essays" تألیف ژرژ باتای است.
یادداشت: کتاب حاضر توسط رخداد نو در سال ۱۳۸۹ فیپا دریافت کرده است.
موضوع: باتای، ژرژ، ۱۸۹۷ - ۱۹۶۲ م.

موضوع: Bataille, Georges

موضوع: فاشیسم

موضوع: Fascism

شناسه افزوده: مرادیانی، سمانه، ۱۳۶۶ - ۱۳۹۱، مترجم

رده بندی کنگره: ۱۳۹۷ ۱۶۲ الف / PQ۲۶۰۶

رده بندی دیویی: ۸۴۴/۹۱۲

شماره کتابشناسی ملی: ۵۱۰۷۸۴۶

دا زو شذ نتي فاشيسم
ژنر باله

ترجمه سماه ياني

ويراستار: بابک بياني

نمونه خوان: مهرداد احمد

صفحه آرايي: آلا شويز

مدیر هنری و طراح گرافیک: سیاوش صاعديان

مدیر توليد: مصطفى شريفی

چاپ اول، ۱۳۹۷ تهران، ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۸۰۶-۷۸-۴

 Bidgol Publishing co. | نشر بیدگل

تلفن انتشارات: ۲۸۴۲۱۷۱۷، فکس: ۲۸۴۲۱۷۱۸

فروشگاه: تهران، خیابان انقلاب، بین ۱۲ فروزدين و فخر رازی، پلاک ۱۳۷۴

تلفن فروشگاه: ۶۶۴۶۳۵۴۵، ۶۶۹۶۳۶۱۷

bidgolpublishing.com

همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.

فهرست

۷	مقدمه و ترجمه
۱۱	اختیار بین ناختی فاشیسم
۱۲	I. پیش همسان جامعه
۱۴	II. دولت
۱۶	III. گسست ها، بران های همسانی اجتماعی و دولت
۱۸	IV. هستی اجتماعی دگرسا
۲۶	نمونه هایی از عناصر ترجمه
۲۹	V. دوگانه انگاری بنیادی جهان دگرسا
۳۰	VI. فرم تحکمی هستی دگرسا: حاکمیت
۳۹	VII. تمرکز جهت مند
۴۰	VIII. ارتش و سران ارتش
۴۵	IX. قدرت مذهبی
۴۸	X. فاشیسم به عنوان فرم حاکم حاکمیت
۵۳	XI. دولت فاشیستی
۵۴	XII. شرایط بنیادین فاشیسم
۶۲	پی نوشت ها
۶۷	قدرت و امر قدسی . میشل اچ. ریچمن
۹۳	مرگ

مقدمه مترجم

توان می‌میرد. اما مرگ حیوان، شدن آگاهی اوست.

ژرژ باتای

باتای در سال ۱۹۰۲ میلادی در مورد او چه می‌توان گفت؟ فیلسوفی دگرسان و نامتعارف. نیمه سوررئالیست و نیمه مردم‌شناس؟ نظریه‌پردازی ادبی که رمان‌های فلسفی می‌نوشت؟ انسان شریفی که بیان‌مانگی کتابداری را به فعالیت شرافت‌مندانه در آکادمی برجی داد. با همان‌طور که برتون او را نامید، «فیلسوف مدفوع». راست، آن‌راست که در مورد او همه چیزی می‌توان گفت و بسیار هم گفته‌اند. باز می‌توان بر حجم این گفته‌ها افزود: با لحاظ‌کردن رایش مارکسیسم ضداستالینیستی او، دست‌کم در طی سال‌های ۳۴-۱۹۳۱، و همراهی‌اش با سازمان سیاسی «ضد حمله»، و عجالتاً چرخش او از مارکس به نیچه، عضویت در انجمن سرّی «آسفال»، و چیزهایی از این دست.

به قطع، آنچه از «مقدمه» کتابی که هم‌اینک در دست دارید انتظار می‌رود، ارائه اطلاعاتی زندگی‌نامه‌ای از همین دست است، همراه با مروری کلی بر آراء فیلسوف؛ اطلاعاتی که، خوشبختانه امروز، استخراج و صورت‌بندی آن‌ها به لطف «ویکی‌پدیا» و امثال آن چندان دشوار نیست. از قرار معلوم، معمول است که چنین مقدمه‌ای بتواند، در حکم چیزی شبیه تابلوهای راهنمایی رانندگی، خواننده را در تعیین جهت، آداب و رسوم ورود به بحث، و در واقع متن، یاری رساند. فارغ از اینکه چنین اطلاعاتی ارزشمندند یا نه، در اینجا مقدمه‌ای در فرم مذکور در کار نیست.

از نظر ترجمه، گشتار ورود مستقیم به متن، بدون هیچ مقدمه‌ای، در نظر رخص خود متن همچون مقدمه‌ای بر دیگر آثار باتای است.

در اینجا خودداری از نوشتن مقدمه را در فرم فوق‌الذکر و سرباز زدن از ارائه توضیحی کلی در مورد باتای و آثارش، نباید صرفاً ناشی از نوعی استراتژی علام‌ن‌وشتن دانست که مقدمه را پرگویی، و متن را از حاشیه‌ن‌وشتن و تری‌تلقی می‌کند. این خودداری بیشتر به موقعیت باتای در حوزه زبان فارسی بازمی‌گردد. باتای در ایران کمابیش ناشناخته است؛ جز چند مقاله و آن هم بیشتر در «حوزه نظریه ادبی» و نیز شبه‌هنری، و آن هم در حاشیه، چیزی از او ترجمه نشده است. بدین جهت، کژفهمی و حرف‌های عجیب و غریب در مورد او کم نیست؛ مثل موارد مشابه، در نبود متن، او نیز به

فیگوری رمزآلود و پوسته‌ای پرزرق و برق، اما توخالی، بدل شده است. همین کزفهمی‌ها و درعین حال، کلی‌گویی‌ها و گزافه‌گویی‌های بی‌ربط و خطر افتادن در دام آن‌هاست، که مترجم را از نوشتن چیزی هرچند کوتاه - در قالب درآمد، مدخل، یا دیباچه - در باب باتای منصرف کرده است. به طور سی، می‌توان گفت تا اطلاع ثانوی امتناع از نوشتن و اصرار بر ترجمه بهترین موضعی است که می‌توان در مواجهه با باتای (و البته در مال بسیاری دیگر) اتخاذ کرد. برای دستیابی به اطلاعات و یکپایایی در مورد باتای، بهتر است خواننده محترم به خود رجوع کند یا و نظایر آن مراجعه کند.

امیدوارم قدرت باتای از فاشیسم، که با خوانش دست راستی و لیبرال پوپر، یا خوانش مارکسیستی کلاسیک پولانزانس از فاشیسم، تفاوت دارد، به دست خوانندگان احتمالی کتاب بیاید؛ البته اگر خواننده‌ای در کار باشد.